

راهکارهای تحقق بازار مشترک اسلامی

نشاره:

ترتیبات تجاری منطقه‌ای علاوه بر نقشی که در گسترش روابط اقتصادی - بازرگانی میان کشورهای یک ناحیه از جهان دارد، به‌طور غیرمستقیم بر تحکیم مناسبات سیاسی دوستانه میان ملل و گسترش صلح و امنیت منطقه‌ای تأثیر بسزایی دارد.

به جهات آثار مثبت ترتیبات تجاری منطقه‌ای، در نیمه دوم قرن بیستم، انگیزه برای منطقه‌گرایی تقویت شده است و این در حالی بوده که تلاش برای جهانی شدن اقتصاد و حرکت به سوی مکانیزم بازار آزاد نیز وارد مرحله تازه‌ای شد که گفت‌وگوهای دور اروگوئه ماحصل آن است.

یکی از نهاد‌های فعال سیاسی - اقتصادی در میان کشورهای در حال توسعه جهان، سازمان کنفرانس اسلامی است که در واقع از پیمان‌های فرامنطقه‌ای به‌شمار می‌رود. زیرا اعضای آن را شماری از کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی تشکیل می‌دهند. هر چند که بعد سیاسی فعالیت سازمان کنفرانس اسلامی بر جنبه اقتصادی آن غلبه دارد، لیکن در آخرین نشست سران این کشورها در تهران، تلاش گردید که در بخش‌های اقتصادی و بازرگانی نیز این سازمان پیش از گذشته فعال گردد.

در این مقاله به اختصار با نحوه تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی، تشکیلات این نهاد و تلاش‌های انجام شده برای تقویت روابط اقتصادی میان ملل مسلمان آشنا می‌شوید.

تاریخچه تأسیس

در پی تشکیل اولین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در ریاط در سپتامبر ۱۹۶۹ و کنفرانس وزرای خارجه این کشورها در جده در اواخر همان سال، تفکر تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) نضج گرفت و سرانجام در نشست وزرای خارجی این کشورها در سال ۱۹۷۲ در شهر جده عربستان سعودی، با تأسیس این سازمان موافقت گردید.

سازمان کنفرانس اسلامی با هدف تقویت مناسبات میان کشورهای اسلامی و ارائه مشاوره‌های لازم برای بسط همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی و علمی و اتخاذ خط مشی روشنی برای حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی و هماهنگ‌سازی مواضع کشورهای اسلامی در قبال مسأله فلسطین تأسیس گردید. این سازمان تشکیلات ویژه‌ای دارد که عبارتند از: اجلاس سران که سالی یک بار تشکیل می‌شود، اجلاس وزرای خارجه که به‌طور سالانه تشکیل می‌شود، دبیرخانه و دادگاه بین‌المللی عدل اسلامی.

اجلاس سران، اجلاس وزرای خارجه و دبیرخانه (مستقر در شهر جده عربستان سعودی) ارکان اصلی این سازمان می‌باشند. در همین حال چند

کمیته تخصصی که راهبردهای عمده این سازمان را تعیین می‌کنند، مانند کمیته قدس شریف، کمیته دایمی همکاری‌های اطلاعاتی و فرهنگی، کمیته دایمی همکاری‌های اقتصادی و تجاری و کمیته دایمی همکاری‌های علمی و فن‌آوری، از زیرمجموعه‌های آن است.

سازمان کنفرانس اسلامی که اعضای آن را کشورهای آذربایجان، افغانستان، اندونزی، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، بنگلادش، ترکیه، مالزی، برونی دارالسلام، اوگاندا، بورکینافاسو، بنین، چاد، گابن، گامبیا،

کومور، سنگال، سیرالئون، گینه، گینه بیسائو، کامرون، مالدیو، مالی، سوزامبیک، نیجر، نیجریه، اردن، الجزایر، امارات متحده عربی، بحرین، تونس، جیبوتی، سودان، سوریه، سومالی، عراق، عربستان سعودی، عمان، فلسطین، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، مصر، موریتانی، یمن، آلبانی، سورینام، توگو و ازبکستان تشکیل می دهند، دارای کمیته های ویژه، ارکان فرعی و نهادهای تخصصی نیز می باشد.

کمیته ویژه افغانستان، کمیته آفریقای جنوبی و نامیبیا، کمیته همبستگی اسلامی با مردم ساحل (کشورهای آفریقای مجاور صحرا)، کمیته مسؤل کنترل خشکسالی در کشورهای ساحل، کمیته چهارگانه وزرا در مورد وضعیت مسلمانان فیلیپین، کمیته ششگانه در مورد فلسطین از کمیته های ویژه این سازمان می باشند.

مرکز تحقیقات و آموزش آماری و اجتماعی کشورهای اسلامی، مرکز اسلامی توسعه تجارت، مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی، کمیسیون بین المللی حفظ میراث فرهنگی، مرکز اسلامی تحقیقات و آموزش های فنی و حرفه ای داکا، مجمع فقه اسلامی، صندوق همبستگی اسلامی، صندوق وقف، صندوق قدس و موقوفات آن از ارکان فرعی سازمان کنفرانس اسلامی هستند که بازوی اجرایی آن نیز تلقی می شوند.

بانک توسعه اسلامی، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی، سازمان رادیو و تلویزیون های کشورهای اسلامی، سازمان خبرگزاری بین المللی اسلامی و کمیته اسلامی هلال بین المللی از نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی هستند که در امور اقتصادی و بانکداری، علمی، فرهنگی، اجتماعی و... فعال شده اند.

با وجود آنکه تفکر اولیه در تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی، اتخاذ مواضع واحد میان کشورهای مسلمان در قبال مسأله فلسطین و تلاش برای آزادسازی سرزمین های اشغالی و احقاق حقوق از دست رفته مردم فلسطین بوده که جنبه سیاسی دارد، اما اعضای این سازمان به تدریج بر مباحث اقتصادی و تلاش های هماهنگ برای گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی تأکید کردند.

با وجود جمعیت یک میلیارد نفری مسلمانان در جهان، این سازمان با ۵۵ کشور عضو می تواند به یکی از پیمان های اقتصادی - بازرگانی قوی و فرامنطقه ای تبدیل شود. اگرچه اقتصاددانان ایجاد چنین تشکل پرتوانی را مشروط به یکپارچگی، همبستگی و همکاری های وسیع اقتصادی و برنامه ریزی برای این مهم می دانند.

با توجه به گسترش ایده حرکت به سمت جهانی شدن اقتصاد در دهه اخیر و میل وسیع بازارهای کالا، خدمات، کار و سرمایه به یکپارچگی و همکاری های همه جانبه، سازمان کنفرانس اسلامی حتی فراتر از ترتیبات تجاری منطقه ای می تواند حرکت کند و سهم کشورهای عضو در مبادلات تجاری بین المللی را افزایش دهد. اگرچه در حال حاضر سهم کشورهای مسلمان در اقتصاد و تجارت بین المللی در حد توان های بالقوه اقتصادی شان نمی باشد.

در گزارش رقابت جهانی که از سوی مؤسسه بین المللی مدیریت توسعه در سال ۱۹۹۵ منتشر شد، در میان ۴۸ کشور جهان که در رتبه بندی رقابت بین المللی در این سال گنجانده شدند، فقط نام ۵ کشور اسلامی، شامل مالزی (رتبه ۲۱)، مصر (رتبه ۲۷)، اندونزی (رتبه ۳۳)، ترکیه (رتبه ۴۰) و اردن (رتبه ۴۱) به چشم می خورد که این امر نشانه

ضعف قدرت رقابت کشورهای اسلامی در عرصه بین المللی است. در این جدول آمریکا با ۱۰۰ امتیاز رتبه اول و روسیه با ۱۱ امتیاز رتبه چهارم و هشتم را کسب کرد. شاخص IMD^۱ که چگونگی توان ایجاد ثروت برای مردم در یک کشور را نسبت به دیگر کشورها در بازار جهانی مشخص می سازد، بر عواملی نظیر قدرت اقتصاد داخلی، بین المللی شدن به عنوان مقیاسی برای جذب و مشارکت در سرمایه گذاری و تجارت بین المللی، دولت (گرایش رقابتی بودن سیاست های دولت)، مالیه (عملکرد بازارهای سرمایه و کیفیت خدمات مالی)، امور زیربنایی، مدیریت، علم و فن آوری و نیروی انسانی تکیه دارد. در رتبه بندی ۴۸ کشور مورد بحث نیز این عوامل در تعیین امتیاز و نحوه رتبه بندی نقش داشتند.

با وجود آنکه اکثر اقتصاددانان غربی عقیده دارند که تلاش کشورهای مسلمان عضو سازمان کنفرانس اسلامی در گسترش همکاری های اقتصادی و بازرگانی تا تحصیل بازار مشترک اسلامی محکوم به شکست است، اما در هشتمین نشست سران کشورهای اسلامی در تهران در آذرماه سال ۷۶، سران این کشورها بر تلاش برای ایجاد بازار مشترک اسلامی تأکید ورزیدند.

دکتر محمدرضا ابوتراییان در همایش گسترش همکاری های اقتصادی - بازرگانی بین کشورهای اسلامی که از سوی مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی برگزار شد، در سخنرانی خود تحت عنوان «نظریه پیوند بازرگانی بین کشورهای اسلامی» گفت: اگر با نگاهی جدید و متفاوت به جهان بنگریم که این نگاه به معلوماتی تازه و مطمئن منجر شود، ما قطعاً می توانیم راه هایی را تدبیر کنیم که بازار مشترک اسلامی به موفقیت

1- International Institute for Management Development

برسد.

وی افزود: متفاوت عمل کردن یک جامعه مستلزم تصمیم‌گیری آگاهانه گرداندگان آن است و لذا در صورتی می‌توان انتظار داشت که کشورهای اسلامی از تسلیم شدن به ذهنیت متداول اقتصاددانان (مبنی بر ناموفق بودن تشکیل بازار مشترک اسلامی) دست بردارند که متوجه شوند و مطمئن شوند که اولاً در بطن نظرات آراسته تجارت خارجی اقتصاد غرب صنعتی چه خطاها و نارسایی‌هایی نهفته است و ثانیاً به پشتوانه چه نظریه جدیدی می‌توانند بازار مشترک اسلامی را به موفقیت قطعی برسانند.

وی با تشریح رابطه آسیب‌پذیری در تجارت خارجی کشورهای کمتر مولد با کشورهای صنعتی غرب گفت: تلاش جوامع

صنعتی برای جهانی کردن تجارت و تحکیم آزادی تجارت خارجی بین تولیدکنندگان متخصص و غیرمتخصص برای حل مشکل اقتصادی جوامع کمتر مولد نیست، بلکه برای رونق دادن به تجارت‌هایی است که شرایط دادوستد آن را کشورهای پیشرو صنعتی معین می‌کنند و سود آن حتماً به‌طور غیرمنصفانه توزیع می‌شود. جامعه صنعتی می‌خواهد فروشنده محصولات کارخانه‌ای و خریدار منابع تجدیدشدنی یعنی ثروت‌های ملی کشورهای درحال توسعه باشد.

وی افزود: پس از سال‌ها آسیب‌پذیری از مبادلات نامنصفانه با کشورهای پیشرو صنعتی، اینک بسیاری از کشورهای اسلامی دریافته‌اند، صحیح نیست که به کارشناسی‌های اقتصادی غرب در مورد «سراب منافع» آزادی

تجارت خارجی اعتماد کنند. لذا به سمت اتحاد گمرکی با یکدیگر متمایل شده‌اند تا مبادلات منصفانه بین خود را گسترش دهند.

وی گفت: متأسفانه در این مسیر، بسیار هستند کسانی که به الگوی موفق «بازار مشترک اروپا» دل سپرده‌اند و از منطبق نشدن مشخصات «اقتصاد کشورهای اسلامی» با این الگو به نوعی احساس ناکامی می‌رسند.

وی با تشریح «معضل اقتصادهای رقیب» از منظر کارشناسان غربی و به‌ویژه وانیر گفت: اقتصاددانان عقیده دارند که موفقیت و سودآوری هر گونه اتحاد گمرکی موکول به آن است که

○ با وجود جمعیت یک میلیارد نفری مسلمانان جهان و عضویت ۵۵ کشور در سازمان کنفرانس اسلامی، این نهاد می‌تواند به یکی از پیمان‌های اقتصادی - بازرگانی قوی و فرامنطقه‌ای تبدیل شود.

کشورهای عضو دارای اقتصادهای مکمل باشند تا تقویت بنیه تولیدی هر یک از آنان به تخصص در فعالیت‌هایی منجر شود که سایرین از آن بی‌نصیب هستند و اگر کشورهایی با زمینه‌های تولیدی نسبتاً مشابه اتحادی از «اقتصادهای رقیب» به‌وجود آورند، ضرورت حمایت هر کشور از تولید داخلی‌اش باقی می‌ماند و حرکت در مسیر «کاهش موانع گمرکی» با مشکل روبه‌رو می‌شود.

وی افزود: اگر چنین باشد، کشورهایی که از قافله توسعه صنعتی عقب مانده‌اند، چاره‌ای ندارند جز آنکه به دادوستد نامنصفانه با جهان صنعتی ادامه دهند و این درست همان نتیجه‌ای است که جوامع خواهان سلطه تجاری و اقتصادی در پی توجیه آن هستند و همین نظر منفی است که موفقیت «بازار مشترک اسلامی» و اتحادهای گمرکی نظیر آن را

زیر سؤال می‌برد.

وی تصریح کرد: واقعیت چیزی فراتر از این‌گونه نتیجه‌گیری‌های سطحی است. واقعیت این است که آن اتحادیه‌ای که بر طبق نظریه وانیر یا سایر کارشناسی‌های غربی «محکوم به بی‌ثمر ماندن» است، زائیده ذهنیت غرب از طرز عمل «بازار مشترک اروپا» است، در حالی که هیچ دلیلی وجود ندارد که راه و روش همه اتحادهای بازرگانی در دنیا فقط به همان ترتیبی درآید که در اروپا جاری شد.

وی افزود: شکل‌گیری و پیشرفت کار بازار مشترک اروپا بومینای روابط تجاری بین چند کشور صنعتی طرح‌ریزی شد و

این مبنای هیچ مشابهتی با ضرورت‌ها و پارامترهای سیستم دیگری که قرار است بر روابط تجاری متفاوتی

استوار شود، ندارد.

دکتر ابوترابیان اظهار داشت: اگر کشورهای کمتر مولد به تولید تخصصی نرسیده‌اند، برای این بوده که سال‌ها مفتون کارشناسی‌های اقتصادی جوامع صنعتی غرب بوده‌اند و ناآگاهانه اجازه داده‌اند که مسیر سرمایه‌گذاری‌هایشان در کمال بی‌اعتنایی به تغییرات زمانی کارایی تولید، طی شود. امروز نیز این بی‌توجهی به صورت یک نوع عادت اداری و دانشگاهی در جوامع توسعه‌نیافته درآمده است و برنامه‌گذاران داخلی آزادانه و بی‌نیاز از کارشناسی‌های همراه‌کننده غرب، خود به همان نتیجه‌گیری‌هایی دست زده‌اند که مراد مریبان خارجی بوده است.

وی عقیده دارد که اقتصادهای رقیب که مشابهت تولیداتشان مانع اصلی بهره‌گیری از اتحاد تجاری است، خود

زاییده «فقدان اتحاد تجاری» هستند و بر اثر بی‌توجهی به ضرورت مبادلات تجاری بین خودشان، دچار این چنین تولیداتی مشابه و اقتصادهایی رقیب شده‌اند.

وی افزود: عامل مؤثر دیگری که رغبت‌های تولید تخصصی در کشورهای اسلامی را ضایع کرده است، سهولت فروش «منابع

تجدیدتشدنی» نسبت به صادرات تخصصی است. ما در میان کارشناسی‌های دولتی کشورهای اسلامی، تقریباً هیچ‌گاه نمی‌بینیم که آثار اقتصادی فروش ثروت ملی را از آثار اقتصادی کسب درآمد از صادرات، متمایز کنند. یعنی نیاز به بازار فروش گسترده برای متخصص شدن در تولید کالاها، در بعضی از این کشورها هنوز متبلور نشده است. پس اگر بازار مشترک اسلامی به عضویت فعال این کشورها اهمیت می‌دهد، باید بتواند در معاملات عمده ثروت‌ها و ذخایر ملی نیز نقش اقتصادی مؤثری را ایفا کند و به تدریج از اجحاف‌هایی که به واسطه اعمال نفوذ جهان صنعتی بر بورس‌های معاملات کالا وارد می‌آید، بکاهد.

وی با اشاره به نظرات گمراه‌کننده ارایه شده از سوی کارشناسان غربی درباره تخصص بین‌المللی، سیاست‌گذاری رشد و توسعه سریع‌تر، کارشناسی‌های سرمایه‌گذاری و کردار تبعی عرضه و تقاضا گفت: اگر بخواهیم کشورهای کمتر مولد را از روابط تجاری آسیب‌پذیر دور کنیم و در فضایی از روابط تجاری سودآور و توسعه‌بخش قرار دهیم، باید در این چهار زمینه تجدیدنظر کنیم تا به نظریه جدیدی

برسیم.

وی افزود: باید بتوانیم از طریق برطرف کردن خطاهای نظری در این چهار زمینه، پایه‌های نظری تازه‌ای را برای استوار کردن یک نظم تجاری مفید

○ اقتصادهای رقیب که مشابهت تولیداتشان مانع اصلی بهره‌گیری از اتماد تجاری است، فوود زاییده «فقدان اتماد تجاری» هستند و بر اثر بی‌توجهی به ضرورت مبادلات تجاری میان فوود، دچار این چنین اقتصادهای رقیب شده‌اند.

به وجود آوریم که ما این نظم جدید را با نام «نظریه پیوندهای بازرگانی» معرفی می‌کنیم.

وی پایه‌های این نظریه را تخصص ماندگار، صنایع پیشرو نه پیشرفته، تناسب سرمایه‌گذاری‌ها و نقش فرهنگی عرضه ذکر کرد و افزود: تشکیل بازار مشترک اسلامی می‌تواند یک راه‌حل بازرگانی برای موفقیت مسلمانان در «بازگشت به خویش» و احیای هویت مستقل فرهنگی و سیاسی تلقی شود، به شرط آنکه به آثار آموزشی محصولات صادراتی کشورهای عضو توجه شود.

وی افزود: شرط ارزشمندی اتحاد گمرکی و موفقیت آن، «بسط ظرفیت‌ها و توان ماندگار در تولید درآمدهای واقعی بیشتر» است، نه درآمد و رفاه ظاهر، تخصص موقتی و حجم مبادلات بی‌اثر یا زیانبار برای تولید سودآور.

وی تصریح کرد: غرض اصلی اتحاد گمرکی برخلاف توصیه‌های متداول کارشناسان اقتصادی غرب، باید تجارت مبتنی بر تولید بیشتر در داخل اتحادیه باشد و نه آنکه کاهش موانع گمرکی بدون زمینه‌سازی برای رقابت در تولید کارآمد داخلی را کافی بدانیم و چنین تصور کنیم که جوامع کمتر توسعه یافته از انگیزه‌ها و زمینه‌های تولید مساعد برخوردارند.

وی گفت: اهمیت رقابت تولید در محدوده یک اتحادیه گمرکی، در این است که ترقی کارایی هزینه‌های تولید در مقیاس یک بین‌الملل کوچک را سبب شود. پس در پیوند بازرگانی میان جوامع کمتر مولد، حتی

اگر سهم بازار «کارآمدترین تولیدکننده جهانی» از دست برود و برای مدتی کوتاه آشکارا اثر «تجارت برگردان»

ایجاد شود، باکی نیست. زیرا با سود و درآمدی که این‌گونه تولید به داخل بازار اتحادیه تزریق می‌کند، قدرت خرید و تقاضا به سطح بالاتری منتقل می‌شود و این رفاه، درآمد ملی، تولید و تجارت بیشتری را به ارمغان می‌آورد.

وی تصریح کرد: یک بازار مشترک احتمالاً تجارت برگردان بین کشورهای کمتر مولد، ممکن است به تولید کارآمد کشورهای پیشرفته خسارت بزند و بالمآل رفاه جهانی را تا مدتی کوتاه کاهش دهد. اما این خسارت از خیث ارزشی (مطلوبیت نهایی) بسیار ناچیز است، در حالی که عواید حاصله برای کشورهای کم‌درآمد بسیار گران‌بهاست. یعنی مطلوبیت افزایش رفاه مصرفی در کشورهای کم‌درآمد هرگز با آنچه توسعه یافته‌ها از دست می‌دهند، هم‌ارز نیست.

دکتر ابوترایبان عقیده دارد که کاهش تعرفه‌ها حتی اگر به افزایش درآمد خانوارها منجر شود، به‌خاطر تغییر در توزیع درآمدها ممکن است به صورتی خسارت‌بار عمل کند و به کل درآمد بعضی کشورهای عضو بازار لطمه بزند. پس تشکیلات مرکزی بازار مشترک اسلامی باید همزمان با کاهش تعرفه‌ها، تدابیری اتخاذ کند که دولت‌های عضو،

ایجاد بازار مشترک اسلامی، تخصصی شدن تولید در این کشورها، جهت‌گیری و هدایت مناسب سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه اقتصادی در تولید کالاهای مکمل و... کمک می‌کند و از سوی دیگر توان و

بنیه رقابت آنها و نیز سهمشان در تجارت جهانی را می‌تواند در بلندمدت افزایش دهد.

بررسی کارشناسان عقیده دارند که با توجه به جمعیت یک

میلیارد نفری مسلمانان، سهم آنها در تجارت جهانی باید به یک‌ششم مبادلات تجاری جهان (حدود یک تریلیون دلار) افزایش یابد و گسترش مناسبات اقتصادی - بازرگانی کشورهای اسلامی می‌تواند در پیشبرد و افزایش این سهم مؤثر واقع شود.

برای تحقق چنین اهدافی ضرورت دارد که کشورهای اسلامی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی در بلندمدت، هم‌اکنون تمامی تلاش و یکپارچگی و همکاری خود را به کار گیرند.

افزایش همکاری‌های اقتصادی، بررسی زمینه‌های مساعد سرمایه‌گذاری برای تولید در مقیاس وسیع با توجه به بازار وسیع کشورهای اسلامی و هدایت روند سرمایه‌گذاری‌های آتی به سوی تولیدات مکمل، تلاش برای ایجاد هماهنگی‌های بیشتر در یافتن پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و سعی در اجرای این پروژه‌ها، تبادل اطلاعات بازرگانی و ارایه فرصت‌های تجاری به دست‌اندرکاران بخش خصوصی در این کشورها، حرکت در جهت ایجاد اتحادیه گمرکی و... می‌تواند در این راستا مؤثر واقع شود.

معمای «موفقیت اقتصادی بازار مشترک اسلامی» سرمایه‌گذاری‌های هدایت شده از حیث موضوعی و فنی و توسعه‌ای است. زیرا به واسطه همین انتخاب‌های سنجیده (در رقابت بین کشوری به‌منظور

○ **تفصص ماندگار، صنایع پیشرو نه پیشرفته، تناسب سرمایه‌گذاری‌ها و نقش فرهنگی عرضه‌پایه‌های نظریه «پیوندهای بازرگانی» است و تشکیل بازار مشترک اسلامی، راه‌ل بازرگانی برای موفقیت مسلمانان در بازگشت به فویشن و امیای هویت مستقل فرهنگی و سیاسی است.**

جلب موافقت سایر کشورها) نیاز به تولید محصولات مکمل کشورهای اسلامی سامان می‌گیرد و مسیر شکل‌گیری بسیاری از همبستگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این کشورها هموار خواهد شد.

براساس آمارهای موجود، ارزش صادرات کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۶ به ۳۷۷/۷ میلیارد دلار رسید که ۴۰ درصد آن را صادرات نفت تشکیل می‌داد. در همین حال بیش از نیمی از صادرات این کشورها روانه بازارهای آمریکا، ژاپن و اتحادیه اروپا شد.

ارزش واردات این کشورها در سال ۱۹۹۶ معادل ۳۸۷/۸ میلیارد دلار بود که ۵۶ درصد یا ۲۱۶ میلیارد دلار آن از خرید کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی غرب تأمین شد.

حجم مبادلات تجاری کشورهای اسلامی با هم در سال ۱۹۹۶ تقریباً ۱۰ درصد تجارت خارجی بیش از ۶۰۰ میلیارد دلاری آنها را تشکیل می‌داد. به عقیده کارشناسان، این سهم دست‌کم باید به ۳۰ درصد افزایش یابد.

با توجه به سهم اندک ۷ درصدی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تجارت جهانی، گسترش همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی فی‌مابین این کشورها از یک سو به روند

فایده‌افزایش قدرت خرید خانوارها را با افزایش نرخ‌های مالیاتی خنثی نکنند، بلکه با هدایت و تسهیل سرمایه‌گذاری‌های ثمربخش به جبران کاهش درآمدهای گمرکی خود بپردازند.

وی هشدار داد که اگر عوض پیوند بازرگانی میان کشورهای اسلامی و تلاش مستمر برای بهبود کارایی تولید و عرضه آنها، فقط به همبستگی گمرکی و سیاسی کاهش تعرفه‌ها بسنده شود،

چه سا که نتیجه کار به رونق تولید و تجارت کالاهای تخصصی اعضای بازار بینجامد.

وی تصریح کرد: هر گاه سیاست ارشادی «سرمایه‌گذاری برای بهبود مستمر کارایی رقابتی تولید» از سوی بازار مشترک اسلامی اتخاذ شود، اقتصاد تولید در کشورهای اسلامی به سمت «محصولات مکمل» سوق پیدا می‌کند.

وی افزود: پیوند بازرگانی چند کشور ایجاب می‌کند که جریان گردش سود یا سایر درآمدهای حاصل از سهولت مبادلات در بازار مشترک، در تعارض با ضرورت تقویت قدرت رقابتی تولید داخلی قرار نگیرد و در خدمت بسط زمینه‌ها و فرصت‌های اشتغال نیروهای داخلی آماده و علاقه‌مند به رشد توانمندی‌های فنی برای تولید مواد و ابزار و تجهیزات عمل کند.

وی گفت: مداخله اقتصادی دولت برای سرعت بخشیدن به روند افزایش درآمدها به هر منظوری که باشد، در صورتی با موفقیت‌ترین می‌شود که نه فقط برقراری محرک‌های افزایش درآمد، بلکه عموماً انگیزه‌های رفتاری و ظرفیت‌ها و کشش مقدرات در اختیار جامعه، نیز مورد توجه سیاست‌گذار قرار گیرد.

وی در پایان تصریح کرد: کلید